



The steps of Space perception in the Allahverdi Khan portico, with looking at the concept of the Mulla Sadra's theory of Substantial Motion

Mona Motevali Haghighi

PhD Researcher in Architecture, Department of Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Mohammad khosro Sahaf

Email: Khosro.Sahaf@gmail.com (*Corresponding Author*)

Assistant Professor, Department of Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Tahere Kamalzadeh

Associate Professor, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran Institute of Philosophical Studies, Tehran, Iran.

Received: 1402/10/25

Accepted: 1403/02/01

Abstract

Movement in space is a requirement of architectural perception. Philosophy also considers the factor of movement as a basis for understanding the material world. Mulla Sadra, the founder of transcendental wisdom, by expressing his theory of essential movement, believes that material existence with its constant movement towards rational and abstract existence, by passing through the three worlds (perceptible, imaginary, and sensible) will achieve the understanding of the world. Became. So, the problem of intrinsic movement and perception of space in architecture will be the main topic of this research. The main goal of the present study is to investigate the levels of space perception in the portico of Allah Vardi Khan based on the concept of the essential movement of Mulla Sadra. For this purpose, the levels of perception of space in the portico of Allahvardi Khan have been examined. This is a qualitative and analytical-descriptive research. The research strategy is a case study with an interpretive approach. This article discusses the comparison of movement and perception in philosophy and architecture by analyzing the perceptual experience of the observer in the portico of Allahvardi Khan. The results show that the spatial hierarchy in the portico of Allahvardi Khan, the lack of variety of materials in the interior of the portico, and the human encounter from the entrance to its center lead to the improvement of the sensory perceptions and the spatial experience of the pilgrims from the portico.

Keywords: The steps of Space perception, Substantial Motion, Allahverdi Khan portico, spatial hierarchy, Mulla Sadra.





مراتب ادراک فضا در رواق الله‌وردی خان؛ با نگاهی به مفهوم حرکت جوهری ملاصدرا*

منا متولی حقیقی

دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

سید محمد خسرو صحاف

استادیار، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: khosro.sahaf@gmail.com

طاهره کمالی زاده

دانشیار، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشکده مطالعات فلسفی تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱

چکیده

حرکت در فضا، لازمه‌ی ادراک معمارانه است. فلسفه نیز عامل حرکت را مبنایی برای ادراک جهان مادی می‌داند. به گونه‌ای که فلاسفه‌ی اسلامی نیز از دیرباز بر این مهم تاکید داشته‌اند و حرکت را دارای کمال و غایت می‌دانستند. ملاصدرا بنیانگذار حکمت متعالیه با بیان نظریه‌ی حرکت جوهری خود معتقد است که وجود مادی با حرکت دائمی خود به سوی وجود عقلانی و مجرد، با طی مراتب و گذر از عوالم سه‌گانه (محسوس، خیال، و معقول) به ادراک حقایق جهان نایل خواهد شد. در این ارتباط مسئله حرکت جوهری و ادراک فضا در معماری موضوع اصلی این پژوهش خواهد بود. حال سوال پژوهش این‌گونه خواهد بود که چگونه می‌توان به ادراک فضای معماری -بالاخص مورد پژوهش حاضر یعنی رواق الله‌وردی‌خان در حرم مطهر امام رضا(ع)- با نظر به حرکت جوهری ملاصدرا نائل آمد و تفسیری جدید از این ادراکات ارائه نمود؟ هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی مراتب ادراک فضا در رواق الله‌وردی‌خان با نگاهی به مفهوم حرکت جوهری ملاصدرا می‌باشد. بدین منظور، در این مقاله ابتدا به بررسی مفهوم حرکت جوهری ملاصدرا پرداخته و سپس به بررسی مراتب ادراک فضا در رواق الله‌وردی‌خان پرداخته شده است. پژوهش پیش‌رو از نوع کیفی تحلیلی-توصیفی بوده و راهبرد آن پرداختن به مطالعات موردی با رویکرد تفسیری می‌باشد. این مقاله با تحلیل تجربه‌ی ادراکی ناظر در رواق الله‌وردی‌خان، مقارنه‌ی حرکت و ادراک در فلسفه و معماری را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج مطالعات نشان داده است که سلسله‌مراتب فضایی در رواق الله‌وردی‌خان، عدم تنوع مصالح در فضای داخلی این رواق و مواجهه‌ی انسان از ورودی تا مرکز آن مبتنی بر دیدگاه تجربه فضایی است که منجر به بهبود ادراکات حسی و تجربه فضایی زائران از رواق و فضامندی آن شده است. ضمن اینکه بستری برای کشف و شهود درونی ناظر فراهم می‌سازد، با توجه به تجربه‌ی ادراکی از نازل به سوی کامل‌ترین آن هدایت خواهد شد. همچنین با توجه به نوع فضاها و حرکت زائر در فضای رواق می‌بایست بیان نمود که تجربه فضایی به گونه‌ای چندحسی بوده و کالبد این رواق به نحوی ساخته و پرداخته شده که حواس پنجگانه زائران را درگیر خودش می‌نماید.

واژگان کلیدی: مراتب ادراک فضا، حرکت جوهری، رواق الله‌وردی‌خان، سلسله‌مراتب فضایی، ملاصدرا.

مشرب فکری حکمت متعالیه، اساس ادراک در فضاهای معماری و ارتقای آن از سطح ماده به معنا، مستلزم حرکت در دو قالب فیزیکی و ذهنی است که همچنان قالب‌های فیزیکی و ذهنی، جزئی از بعد جسمانی آدمی هستند و شاید مانند سید حسین نصر دو قالب راه، ظاهری و باطنی بنامیم. اگرچه معماری دارای ساختاری مادی است، اما می‌تواند مراتب ادراکی افراد راه، در گذار و حرکتی تدریجی (مطابق با نظریه حرکت جوهری) از مرتبه مادی به مرتبه‌ای باطنی هدایت کند (نصر ۱۳۸۰، ۱۵۰؛ خاتمی ۱۳۹۰، ۲۱۰). تاکنون ادراکات در حوزه معماری بیشتر از دیدگاه روان‌شناسی تحت عنوان روان‌شناسی محیط مورد بررسی قرار گرفته اما در نگاه به موضوع ادراکات در معماری از منظر حکمت و فلسفه کمتر مورد توجه بوده است. مباحث معرفتی و ادراکی در فلسفه به مانند معماری نیز، عجین با مفهوم حرکت است. ملاصدرا براساس حرکت جوهری قائل به سیر مراتب ادراکی از ماده به مجرد، و گذر از عالم محسوس به عالم معقول به واسطه خیال می‌باشد (تاج ۱۳۹۳، ۲۲). در نظر ملاصدرا ادراکات حسی، خیالی و عقلی در طول یکدیگر هستند. نفس با حرکت جوهری خود، سیری را از درک حسی شروع کرده و پس از درک خیالی در ذهن، با قوت گرفتن قوه‌ی عقل به مرتبه ادراک حضوری و عقلی راه می‌یابد (کاوندی ۱۳۸۷، ۶۵). با توجه به آنکه رواق الله‌وردی‌خان همزمان با دوران صفوی و حکمت متعالیه بنا شده است از این رو ضرورت پرداختن به تأثیر متقابل حرکت و ادراک بر هم، در فضاهای معماری و فلسفه‌ی ملاصدرا، احساس می‌شود. لذا در این پژوهش، بررسی رابطه حرکت جوهری ملاصدرا و ادراکات حائز اهمیت خواهد بود. از آنجایی که در معماری اسلامی ایران شاهد بسیاری از آثار بزرگی هستیم که در همه‌ی آنها، هدف اصلی ارتباط بین عالم ماده و عالم معنا است، بررسی موضوع ادراک فضایی و حرکت در آثار معماری ایران، مورد تحقیقات بسیاری بوده است. تاکنون تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته است و حاکی از اهمیت ادراک فضا در حوزه معماری و همچنین مبانی حرکت جوهری ملاصدرا است. اما اهمیت موضوع زمانی مشخص می‌شود که معدود مطالعاتی در زمینه برهم‌کنش تعاملات این دو حوزه بر یکدیگر و درحوزه خاص ادراک فضا در رواق الله‌وردی‌خان انجام شده است. این رواق که در زمان الله‌وردی‌خان و در عصر صفوی همجوار مرقد امام رضاع) بنا گردیده هم‌عصر با زندگی ملاصدراشیرازی (بنیانگذار حکمت متعالیه) است. در این تحقیق، با بررسی مطالعات پیشین و با هدف یافتن تعاملات مابین حرکت و ادراک در دو حوزه‌ی یعنی فلسفه و معماری، ابتدا به بررسی ماهیت ادراک فضایی و رابطه حرکت و ادراک به صورت جداگانه در این حوزه‌ها پرداخته می‌شود. در

۱. مقدمه

فضا در معماری، به محلی اشاره دارد که از طریق نظام‌بندی عناصر کالبدی شکل می‌گیرد، اما ویژگی‌های فراتر از عناصر مادی آن را تشکیل می‌دهند (کسی ۱۳۸۰، ۳۸). از سویی ادراک فضا به میزان ارتباط و حضور فرد در محیط بستگی دارد (گالاقر ۲۰۰۵، ۳۸)؛ لذا درک انسان از فضای معماری و نحوه‌ی این تعامل از موضوعات اصلی در خلق اثر معماری است، بنابراین میزان ادراکات از فضا و به مرتبه ادراک و چگونگی ارتقای کیفیت ادراک، موضوعی است که در حوزه‌ی معماری نیازمند توجه خواهد بود و لذا فضا به‌عنوان جوهر و ذات معماری، نسبت به سایر هنرها، نیازمند تلاش و حضور بیشتر از سمت ناظر خود جهت ادراک است (شجاری و دیگران ۱۳۹۷، ۱۵۸). از سویی ادراک محیط بر چگونگی شکل‌گیری فعالیت‌ها در فضا تأثیرگذار است. در واقع فراتر از محیط دریافتی، محیط ادراکی است. تجارب انسانی و محیط انسان‌ساخت به وسیله افکار، مفاهیم، و ایده‌های انسان غنا می‌یابد. بنابراین در طراحی محیط، شناخت رابطه بین عناصر و شکل محیط و تأثیر آن بر سطوح مختلف رفتاری، احساسی و ادراکی استفاده‌کننده از محیط دارای اهمیت خاصی است. فهم رابطه بین انسان و محیط همواره سؤالات بسیاری را از چگونگی تأثیر متقابل محیط بر انسان و مشخصه‌های تعاملی بین آنها برمی‌انگیزد. این فضاهای محیط هستند که به وسیله انسان بر اساس وجوه فرهنگی و اجتماعی او مورد ادراک و شناخت قرار گرفته و رفتار فضایی در تعامل با محیط و تجربه فضایی انسان در گرو این شناخت است. به عبارت دیگر، هر چه بتوان نحوه ادراک و شناخت محیط توسط فرد را بیشتر و دقیق‌تر مورد سنجش قرار داد، می‌توان دقیق‌تر در مورد محیط، تصمیم‌سازی و طراحی نمود. ملاصدرا با مطرح کردن دیدگاه خودش در باب «ادراک وجودی» و «اتحاد عاقل و معقول»، به اتحاد میان ماده و معنا اصرار می‌ورزد، اما در فرایند ادراک، ساحت معنا را برتر از بُعد مادی می‌داند (حسینی شاهرودی و اسکندری ۱۳۹۶، ۸۵). این مسئله‌ای است که شوربختانه در ساختار و شاکله معماری امروز مغفول مانده است (رئیس‌زاده ۱۳۸۳، ۵۶). در حالی که باید به کارکرد ماده در فرایند ابتدایی ادراک اذعان کرد، اما با تکیه بر اندیشه ملاصدرا اساساً حقیقت ادراک انسان از فضاهای معماری را باید ناشی از ساحت معنایی و سیر معنوی (از ماده به معنا) تعریف کرد. ادراک به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در فلسفه، تلاش برای درک حقایق و واقعیت‌های موجود است. از آنجا که حرکت و ادراک دو عنصر اساسی در معماری هستند، بررسی زمینه‌هایی که برای بروز ادراک و حرکت در فضای معماری باید فراهم شود اهمیت ویژه‌ای دارد. مطابق

معنا تعریف می‌کند. شجاری و دیگران (۱۳۹۷) در پژوهشی مراتب ادراکی در فضاهای معماری را با عنایت به مفهوم حرکت مورد بررسی قرار داده‌اند. دادفر و دیگران (۱۴۰۰) در پژوهشی به تبیین درک تجربه فضایی در مسجد گوهرشاد به واسطه عناصر مادی و حرکت در فضای این مسجد پرداخته است تا بدین طریق بتوان کیفیت فضایی رخداده در این مسجد را در مساجد معاصر بازنمایی کرد. از این‌رو زمانی و دیگران (۱۴۰۰) به بررسی تطبیقی شکل‌گیری رواق‌الله‌وردی‌خان بر مبنای وجودشناسی حکمت متعالیه به منزله کامل‌ترین حکمت مشرق زمین، در روند ساخت آن پرداخته‌اند.

۳. مبانی نظری پژوهش ۳-۱. ادراک فضای معماری

فضا، بخش اصلی معماری است و برای طراحی آن باید به تفکر و تصور درباره ماهیت فضا و کشف پیام‌هایی که از صورت مادی آن ساطع می‌شود، نیاز است. فضا دارای دو ویژگی صورت و معناست و به‌عنوان بیش از یک «مکان تهی» میان اجسام، مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، فضا هم شکل فیزیکی و هم معنایی دارد. معماران برای طراحی فضاهای معماری، به دنبال درک بهتر از این ویژگی‌ها هستند و در رمزگشایی ماهیت فضا و کشف پیام‌های ساطع شده از صور مادی آن، نیازمند تفکر و تصور هستند (دورسون ۳، ۲۰۰۹). گاهی در تصورات، ما فضا را به‌عنوان «مکانی تهی» در میان توده‌ها تلقی می‌کنیم. در این نگاه، کار معماری به معنی پوشاندن این «مکان تهی» و ایجاد یک محیط انسانی و محدود از یک محیط بی‌نهایت از طبیعت است. در واقع، معماری به‌عنوان هنر و علم طراحی فضا، برای خلق فضاهایی با معنا و شکل زیبا، با توجه به نیازهای انسان ایجاد شده است. در این فرآیند، معماران با بهره‌گیری از مفاهیمی همچون نور، رنگ، فضا، شکل، جهت‌گیری، و... تلاش می‌کنند تا فضاهایی را طراحی کنند که برای انسان، جذاب و قابل استفاده باشند و به نیازهای او پاسخ دهند (کولینز ۴، ۲۰۱۴). از منظر پدیدارشناسی، مطالعات مرتبط با فضا را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: آنهایی که مبتنی بر فضای اقلیدسی هستند؛ و آنهایی که با تلاش برای توسعه تئوری فضا بر اساس روان‌شناسی ادراک، اقدام به بررسی فرآیند ادراکی انسان از فضا می‌کنند. فضا دارای دو ویژگی کمی و کیفی است که برای انسان قابل ادراک است. در این فرآیند ادراک، سه مؤلفه شامل انسان، فضا، و رابطه بین انسان و فضا قابل بررسی است. نظریه‌های مختلف در این زمینه وجود دارد. به عنوان مثال، رفتارگرایان بیشتر به حرکت و رفتار محدود در زمان و مکان معین توجه می‌کنند و تنها به عملکرد به جای ذهن

نهایت، داده‌های هر دو حوزه برای بررسی و مقایسه با یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند. فرضی که در این تحقیق مطرح شده، این است که مراتب ادراک فضای رواق‌ها، به خصوص رواق‌الله‌وردی‌خان در حرم مطهر با توجه به ویژگی سیالیت در آنها، با مفهوم حرکت در فلسفه دارای ارتباط معنایی هستند. ماهیت کلی تحقیق به صورت کیفی-تحلیلی و توصیفی است و راهبرد انتخاب شده برای آن، مطالعه‌ی موردی با نگاه به رویکرد تفسیری است. بررسی و بحث در حوزه فلسفه، از جمله ویژگی‌های اصلی این تحقیق است. ساختار کلی این مقاله، در ابتدا به ارائه‌ی مبانی نظری منسجم در حوزه‌ی معماری و فلسفه در رابطه با بحث ادراک و حرکت می‌پردازد. سپس، خواص و مؤلفه‌های فضای سیال مورد بررسی قرار می‌گیرند و در نهایت، با تحلیل تجربه‌ی ادراک در رواق‌الله‌وردی‌خان و بررسی آن بر اساس آرا و مبانی فلسفی و معماری، تعاملات حرکت و ادراک در هر دو حوزه ارائه می‌شود.

پرسش‌ها

در این مقاله با استفاده از منابع فلسفی، به بررسی پاسخ سوالاتی مانند «ماهیت ادراک و حرکت چیست و چگونه به وقوع می‌پیوندد؟»، «آیا رابطه‌ای بین ادراک و حرکت در فلسفه وجود دارد؟» و «آیا می‌توان میان مراتب حرکت جوهری و ادراک فضا، به طور اخص در رواق‌الله‌وردی‌خان در حرم رضوی ارتباطی یافت؟» پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه حرکت و ادراک دو جزء لازم و ملزوم در معماری هستند، باید بررسی شود که آیا این رابطه در فلسفه نیز حاکم است یا خیر؟

۲. پیشینه پژوهش

از جمله عمده‌ترین پژوهش‌های صورت‌گرفته پیرامون پژوهش حاضر می‌توان به مقاله‌ی عزیزی و ابراهیمی (۱۳۹۷) اشاره کرد با بیان جایگاه سه قوه، حس، خیال، و عقل در مراتب ادراکی، سیر ادراکی از ماده تا معنا را شرح داده است؛ و نتایج (۱۳۹۳) هم در مقاله‌ی خویش، مراتب ادراکی ملاصدرا را در سه مرتبه حس، خیال، و عقل تبیین کرده و خیال را به‌عنوان عامل اتصال و سیر ادراک از ماده به معنا، مورد بررسی قرار داده است. ساجد (۱۳۸۹) در مقاله‌ی خود در سیر ادراکی از ماده به معنا، ساحت معنا را عامل اصیل ادراک معرفی می‌کند. همچنین حسینی شاهرودی و اسکندری (۱۳۹۶)، بر برتری ساحت معنا در سیر ادراکی تأکید دارند. در همین راستا مختاری (۱۳۹۹)، با توجه به آرای ملاصدرا در فرآیند ادراکی، حواس و شناخت مادی را، بخشی از ادراک و نه تمام آن معرفی می‌کند. تیمی و فرامرز قراملکی (۱۴۰۰) مراتب ادراکی در فلسفه صدرایی را ذیل حرکت جوهری قرار می‌دهد و در نتیجه ادراک را، سیر معنوی و امری تدریجی، پیوسته و بدون انقطاعی از ماده به

۱۳۹۳، ۶۶).

۳-۳. رابطه ادراک و حرکت در معماری

در معماری، ماده و معنا دو بخش مهم هستند. برای فهمیدن معنای یک ساختمان، ادراک از سطوح مختلف لازم است. در این سطوح، حواس پنج‌گانه و قوه‌ی بصری اهمیت دارند که در سطح اولیه ادراک قرار دارند. در کتاب «چشم معمار» پورتر توضیح می‌دهد که حین حرکت در فضا، هر حرکت، محیط بصری را در حرکت قرار می‌دهد. ما قادر به تنظیم چشم و تمرکز به روی نقاطی در فواصل دور و نزدیک هستیم که در دسترس ما قرار دارند. چشمان ما از این سطح اولیه ادراکی فراتر می‌رود و با کمک سایر ارگان‌های حسی، اطلاعات بیشتری دریافت می‌کنیم (پورتر ۷، ۱۹۷۷، ۲۸-۲۹). برای درک یک اثر معماری، نیاز به عواملی جز قوه‌ی بصری داریم. حرکت نیز به درک فضای معماری کمک می‌کند. در واقع، حرکت، جوهر درک هر فضایی است. در عالم فیزیک، حرکت عامل جابجایی جسم مادی از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر است؛ و حال آنکه حرکت در عالم هنر به معنای خروج از ماده و سفر به خیال است. برخی تاریخچه معماری را با بیانیه‌ی فوتوریست‌ها و ظهور فیلم و تصاویر متحرک، و یا با اشاره به ویتروویوس که در اثر مشهورش به حرکت ساختمان‌های ثابت و عناصر متحرک اشاره کرده، توضیح می‌دهند (چان ۸، ۲۰۱۲). حرکت، یکی از موضوعات مهم در معماری است. معماران با استفاده از حرکت، فضاهایی را خلق می‌کنند که به ناظران اجازه می‌دهد تا با حرکت در آنها، ادراک بهتری از فضا داشته باشند. در واقع، حرکت، یک وسیله برای معمار در خلق فضا است. در ادراک معماری، دو جریان حرکتی وجود دارد: جریان اول مربوط به تبدیل مفهوم ذهنی به وجود مادی در فرآیند طراحی معماری است و جریان دوم، حرکت در بین عناصر و صور مادی به صورت فیزیکی و با حرکت قوه‌ی بصری و در نهایت حرکت در ذهن برای دستیابی به مفهوم است (عرفانیان و رسا ۱۳۷۶، ۳۰۱).

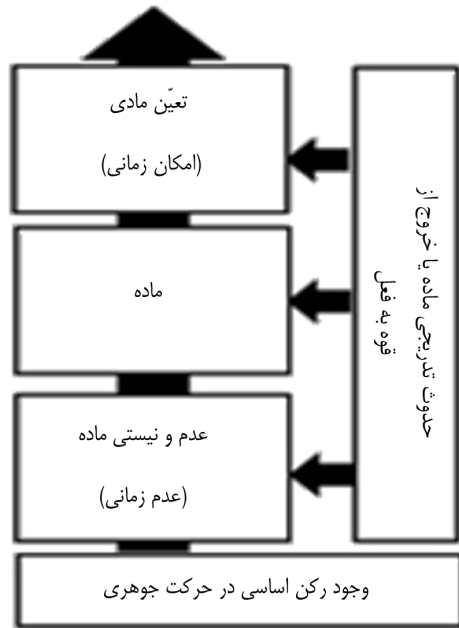
۳-۴. رابطه ادراک و حرکت در فلسفه

ادراک یکی از مسائل مهم و حائز اهمیت در فلسفه، به ویژه در بین فیلسوفان اسلامی محسوب می‌شود. از آنجایی که ادراک دارای مراتب تشکیکی است، بررسی مراتب آن شامل مسئله حرکت می‌شود. فیلسوفان اسلامی هرگز عقل را در برابر حواس قرار نمی‌دهند، از این رو حرکت را معقول محسوس یا محسوس معقول می‌دانند. این فیلسوفان، علی‌رغم تأثیرات فیلسوفان یونانی، به ویژه ارسطو، تعریف خود را از حرکت ارائه داده‌اند و با جرح و تعدیل در تعریف حرکت ارسطو،

و فعل و انفعالات درونی توجه می‌کنند (بروجردی ۱۳۷۶، ۳۳۷). روان‌شناسان گشتالت تأکید داشتند که توجه باید بر فرآیند ادراک (دریافت کل قبل از اجزا) تمرکز داشته باشد، در حالی که شناخت‌گرایان بر انسان به‌عنوان پردازشگر اطلاعات تأکید داشتند. تئوری پردازش کنش متقابل به تأثیر محیط بر ادراک و رابطه پویا بین فرد و محیط و نقش تجربه در ادراک اشاره دارد. به طور مشابه، اکولوژیست‌ها (گیسون ۵، ۲۰۱۴) به تجربه‌ی حسی ناشی از حرکت در محیط توجه می‌کنند. در این حوزه، نظریات دیگری وجود دارند که به ارزیابی کیفیت ادراک انسان در یک فضای معماری می‌پردازند. به عنوان مثال، لنگ سه سطح زیبایی حسی، شکلی، و رمزی و بوردیو (۱۹۸۴) دو سطح برای معنا در اثر هنری مطرح کرده‌اند. نول (۲۰۰۱) چهار سطح شناختی مؤثر بر ارزیابی زیبایی‌شناختی را شامل ادراکی، حسی، نشانه‌ای، و رمزی بررسی کرده است. در قرن نوزدهم، نظریات ادراکی بر تجربیات فضایی تأکید داشتند و هانریش ولفلین و تئودور لیپس (نورمحمدی ۱۳۹۰، ۲۰۰-۲۰۱) رابطه احساس و تداعی معنا با ویژگی‌های بدن و تأثیر حرکت در فضا و تجربه‌ی فیزیکی آن بر احساس و ادراک را مورد بررسی قرار دادند.

۳-۲. الگوهای خلق فضای معماری

عوامل اجتماعی، معنایی، و عملکردی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری معماری می‌باشند، لیکن جهت ارزیابی ارزش‌های معماری کفایت نمی‌کنند، زیرا جوهره معماری فضا می‌باشند. نماهای چهار جهت یک حجم هرچقدر هم زیبا، تنها جعبه‌ای می‌باشد که در درونش گوهر ارزشمند به نام «فضا» را برگرفته است. اثر معماری دارای یک جعبه می‌باشد که اصلی‌ترین محتوایش، فضای داخل آن جعبه است. لذا تا هنگامی که ارزش‌ها و جایگاه نظری «فضا» در معماری درک نشود، به این هنر همانند هنر مجسمه‌سازی نگریسته می‌شود. انسان‌ها با وجود زندگی در فضا، با آن رابطه‌ای مداوم از کنش‌های متقابل دارند: از آن تأثیر می‌پذیرند و به روی آن تأثیر می‌گذارند، با توجه به فضا تغییر می‌کنند و فضا را نیز تغییر می‌دهند. در آن فضا حرکت کرده و به آفرینش معنا می‌پردازند و از این‌رو عناصر موجود در فضا را به نشانه‌های معناداری بدل می‌نمایند (فکوهی ۱۳۸۳، ۳۷). از آنجایی که انسان به دنبال برقراری رابطه‌ی تعاملی با فضا است، این رابطه در تغییر و تحول فرهنگی به وجود می‌آید؛ در حقیقت فضا بستری فرهنگی-معنوی می‌باشد که موجب انتقال تمام ویژگی‌های یک فرهنگ می‌گردد (اکسندر ۶، ۲۰۰۹، ۷۴). در حیطه معماری، عناصر به‌وجودآورنده فضا، به دسته عناصر مادی و محیطی تقسیم می‌شوند (سوهان‌گیر و نصیرسلامی



شکل ۱. حرکت جوهری ماده از دیدگاه ملاصدرا

۳-۶. حرکت جوهری و ادراک فضا

فضاهای معماری جایگاهی مناسب برای برآورده شدن نیازهای مادی و معنوی افراد محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین تأثیرات فضاهای معماری بر انسان، ارتقای ادراک انسانی به مراتب باطنی، در سیر تدریجی است (احمدی و دیگران ۱۳۹۹، ۱۴). این سیر ادراکی را ملاصدرا به مراتب ادراکی تعبیر می‌کند. ملاصدرا با بیان دلایل متعدد، مراتب ادراکی را متأثر از اصل حرکت، و نظریه ارزشمند خود یعنی حرکت جوهری می‌داند. ملاصدرا در تعریف خود از حرکت جوهری، جوهر و اصل ماده را، در حرکتی دائمی دانسته است (گنجور ۱۳۹۴، ۸۰)؛ اما آنچه در آرای صدرای مشهور است، و در قیاس با نظریه تقشیر ۹ نیز مشخص شد، این است که از نظر وی ادراک به امر مادی تعلق نمی‌گیرد، و اساساً ادراک بر تجرد از ماده استوار است؛ زیرا که ماده به واسطه ویژگی اعدامی، در درک حضوری غایب است (خانی و فرقانی ۱۳۹۲، ۲). بر همین اساس، جهت شکل گرفتن حقیقت ادراک در فضاهای معماری، می‌بایست سیر از ماده به معنا در ذهن فرد صورت بپذیرد؛ در نتیجه تجربه این مراتب ادراکی (مطابق با نظریه حرکت جوهری) وابسته به حرکت و امری تدریجی است (ملاصدرا ۱۹۸۱، ۲۷). سیالیت و شناوری فضا موضوعی است که از طرف محمدرضا حائری مطرح می‌شود. وی معتقد است: ادراک تدریجی فضا (با عنایت به حرکت در بستر زمان)، هیچ‌گاه منقطع نمی‌شود؛ همراه با وی، نادر اردلان ذیل مفهوم پیوستگی فضا، تداوم حرکتی را، لازمه

تلاش کردند تا تعریف خود را ارائه دهند. به عنوان مثال، برای فیلسوفان اسلامی، حرکت به عنوان یک امر وجودی و کمالی شناخته می‌شود و نه عدمی و فقدانی. همچنین، حرکت بدون هدف و غایت، تحقق پیدا نمی‌کند و هر حرکتی شامل قوه و فعل است. در نهایت، هر حرکتی در زمان تحقق می‌یابد و زمان و حرکت با هم در پیوند، معنی می‌یابند (نجفی افرا ۱۳۸۸، ۲۶).

۳-۵. حرکت جوهری

با توجه به مشرب فکری حکمت متعالیه، برای ادراک در فضاهای معماری و ارتقای آن از سطح ماده به معنا، نیازمند حرکت در دو قالب فیزیکی و ذهنی هستیم. اگرچه معماری ساختاری مادی دارد، اما می‌تواند در گذار و حرکتی تدریجی افراد از مرتبه مادی به مرتبه‌ای باطنی، مراتب ادراکی آنان را هدایت کند (نصر ۱۳۸۰، ۱۲۰؛ خاتمی ۱۳۹۰، ۷۵). در فلسفه، ادراک عجیب با حرکت است و ملاصدرا با اثبات «اصالت وجود» دلایل عقلی متعددی بر این مطلب اقامه کرد که «در تمام این موارد آنچه حقیقتاً حرکت می‌کند، وجود موجودات مادی است که گاهی جلوه‌های آن به صورت حرکت در مکان یا در رنگ برای ما آشکار می‌شود». از نظر او تمامی موجودات عالم ماده در ذات و جوهر خود متحرک هستند. به دیگر بیان، اگر در اعراض آن‌ها (مثلاً در رنگ یک سیب) تغییری هست، به علت تغییر در جوهر آن‌هاست. این حرکتی است که به آن «حرکت جوهری» می‌گویند. بر این اساس، وجود تمامی موجودات مادی دائماً در حرکت است و هیچ‌گاه هیچ موجود مادی ساکن نیست (شجاری ۱۳۹۴، ۴۲). جوهر و حقیقت ماده طبق نظریه تشکیک وجود و حرکت جوهری در مراتب وجود در حرکت و سیلان است. در واقع، زمان با حرکت جوهر عالم ماده به وجود می‌آید و این حرکت به تدریج رخ می‌دهد و زمان به عنوان یک کمیت، میزان این حرکت را نشان می‌دهد. طبق نظریه حرکت جوهری، هر موجود مادی در بستر حرکت مستمر خود، به تحول و تجدید ذاتی خود می‌پردازد و پیش از وجود خود، به عدم زمانی منجر می‌شود. به عبارت دیگر، جهان به عنوان مجموعه‌ای از تحولات در بستر حرکت بیان می‌شود و حقیقت حرکت عبارتست از یک امر تدریجی و نه دفعی (شکل ۱).

حرکت در فضاهای معماری هم راستا با آراس معرفتی ملاصدرا، زمینه‌ساز ادراک می‌باشد. کیفیت ادراک به میزان زمان حضور و حرکت ناظر در فضا، بستگی دارد؛ این ادراک به واسطه‌ی دو مفهوم حرکت و زمان، درکی تدریجی خواهد بود (بنی‌اسدی، باغمیرانی، و دیگران ۱۴۰۱، ۱۷۸).

شده و به ادراک معانی از محیط دست خواهد یافت.

۴. رواق الله وردی خان

گنبد الله وردی خان توسط الله وردی خان که از سرداران زمان شاه عباس بوده ساخته شده است. این بنا به صورت هشت ضلعی و هشت صفاه است. گنبد الله وردی خان، گنبدی مسی می باشد که در شمال شرقی آستان قدس و در شرق رواق توحید، بر بالای رواق الله وردی خان واقع شده است. این رواق که به گنبد الله وردی خان معروف بوده، از جالب ترین و باشکوه ترین رواق های حرم مطهر رضوی می باشد. رواق الله وردی خان از طرف شمال به صحن کهنه و از شرق به دارالضیافه، از جنوب به رواق دارالسعاده و از غرب نیز به رواق حاتم خانی مربوط می شود. مساحت رواق با محاسبه فضاهای جانبی، حدود ۱۷۱ مترمربع است. در همه جای این بنای معنوی، کتیبه های فراوانی از آیات و احادیث دیده می شود. دور تا دور این رواق، تاریخ ولادت و شهادت امامان معصوم (ع) به همراه بعضی از احادیث معتبر نوشته شده است. بنای رواق در سال ۱۰۱۳ هجری قمری آغاز و در سال ۱۰۲۱ به پایان رسید. بنای این گنبد و رواق الله وردی خان، الله وردی خان بوده که در سال ۱۰۲۱ هجری قمری در شیراز فوت کرد و پس از فوت جنازه اش را به مشهد منتقل کردند و در زیر صفاه جنوبی همین گنبد که خودش ساخته بود دفن کردند. مقبره الله وردی خان در توحیدخانه حرم مطهر که در شمال حرم بین رواق پشت سر و صحن عتیق می باشد قرار دارد. تصویر ۲ موقعیت رواق و تصویر ۳ پلان و برش گنبد الله وردی خان و نمایی از داخل گنبد در حرم مطهر رضوی را نشان می دهد (عالمزاده ۱۳۹۰) (شکل ۲ و شکل ۳).



شکل ۲. موقعیت رواق در حرم مطهر (مأخذ: حاجی قاسمی ۱۳۸۹، ۸۱)

ادراک می داند؛ و ادراک را در سه مرحله اتصال، انتقال (حرکت) و وصول تعریف می کند (گلستانی و دیگران ۱۳۹۶، ۸۰). تجلی اصل حرکت در معماری، هم در شکل فیزیکی و هم در قالب ذهنی امکان بروز در فضاهای معماری را دارد. نوع حرکت بین فضاها، نقش بسزایی در درک فضاهای معماری دارد. با نگاهی به ساختارهای فضایی رواق الله وردی خان، به نظر می رسد با حضور و حرکت ناظر در این فضا، اقسام حرکتی بر ناظر مترتب می شود، که کیفیت ادراکی وی را ارتقا می دهد؛ این اقسام حرکتی در فضای به ترتیب ذیل هستند:

۳-۶-۱. حرکت فیزیکی

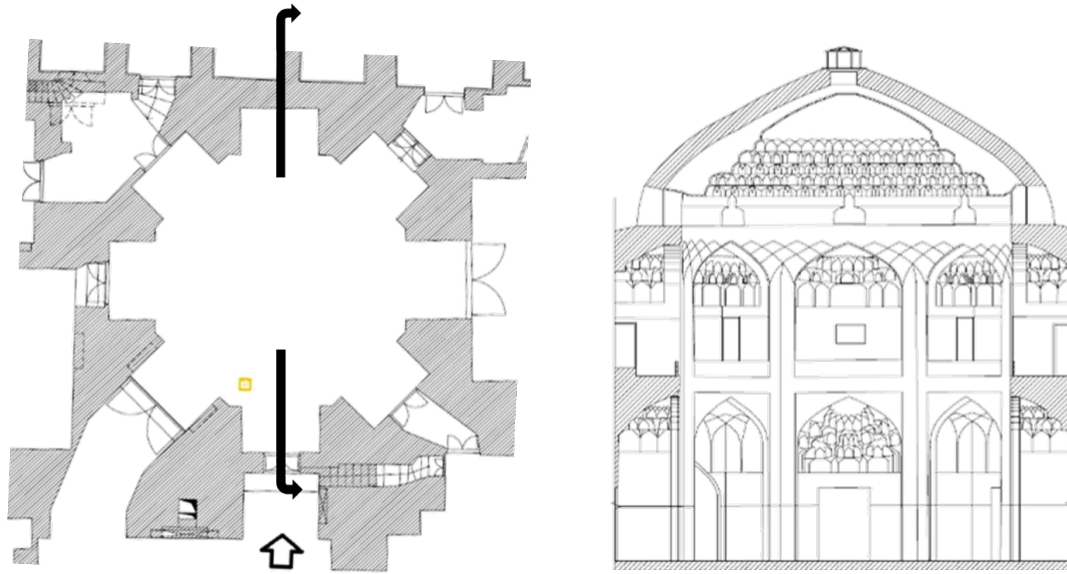
یعنی جابجایی کالبد فیزیکی افراد در فضا. معماری از بیننده انتظار حرکت را دارد و حرکت در آن یعنی راه رفتن در در میانه عناصر بصری و ایجاد خیال در ذهن. در معماری رواق الله وردی خان، حرکت در همه جا تسهیل شده است، و تا جایی که حریم ها اجازه دهد، در هیچ جا مانعی وجود ندارد. در این معماری، با حذف موانع فیزیکی و استفاده از مفصل های فضایی، امکان حرکت فیزیکی از یک فضا به فضای دیگر، برای افراد فراهم می شود. این مرتبه حرکتی آنچنان در ادراک فضا اهمیت دارد که، زوی، زومتر و الکساندر، افراد را به حضور فیزیکی و قدم زدن؛ در فضا، تشویق می کنند (زوی ۱۳۸۷؛ زومتر ۲۰۱۰؛ الکساندر ۱۹۷۹). در این مرتبه، ادراکات به دلیل التفات به امور شکلی و حسی، در سطح مادی است.

۳-۶-۲. حرکت بصری

با بررسی سیر تحلیلی رواق الله وردی خان، می توان متوجه افزایش امکان حرکت چشم در برخی از فضاهای آن شد. زیرا که حرکت چشم نقشی اساسی در درک فضا دارد (مهدوی نژاد و دیگران ۱۳۹۲، ۴). این مهم به واسطه اضمحلال بعد مادی جداره ها رخ می دهد؛ به عنوان مثال از طریق ایجاد منافذی در جداره ها (مطابق با تراز دید افراد) که منجر به برقراری ارتباط بصری می شود (گلستانی و دیگران ۱۳۹۶). اما نکته قابل توجه آن است که با حرکت چشم ناظر در فضا، سطح ادراک در وی ارتقا پیدا می کند؛ اما همچنان در مرتبه مادی می ماند.

۳-۶-۳. حرکت ذهنی یا معنایی

تنها راه ادراک معماری، از طریق حرکت چشم و فیزیکی، نیست (زومتر ۱۹۹۸). در عالی ترین نوع حرکت، چشمان و فیزیکی مخاطب از حرکت باز ایستاده و حرکت به مدد قوه ذهن و خیال وارد مرحله ای عمیق تر می شود؛ که مربوط به معقولات معنایی است (آصفی و دیگران ۱۳۹۶؛ مهدوی نژاد و ناگهانی ۱۳۹۰). در واقع در این مرتبه ناظر از بند ماده جدا



شکل ۳. پلان گنبد الله‌وردی خان و نمایی از داخل گنبد (مأخذ: آرشبو حرم مطهر)

سرمدیت و ازلیت تشدید می‌گردد. در رواق الله‌وردی خان زائر هنگام گذر از صحن که خالی بودنش از گیاهان، پیوند میان معرفت و عبادت را با فهم کیهانی بهبود می‌بخشد، ادراکات حسی (بینایی و شنوایی) بیشتر شده و در محیط داخلی شبستان به دلیل ارتفاع‌گرایی، گذر از روشنایی به تاریکی حس عرفان (سیر به عالم سلوک) به آخرین حد اعلائی خود می‌رسد. از سوی دیگر، ادراک مادی یا کالبدی در این رواق تحت تأثیر ویژگی‌های بستر طرح، توانسته است میان خودآگاه انسان و ناخودآگاه او ارتباط نامحسوس ایجاد کند. این ارتباط باعث می‌شود که انسان خصوصیات محیط را از طریق عناصر مادی دریافت و ادراک کند و با بهره‌گیری از فرایندهای ذهنی از قبیل اعتقادات، ارزش‌های معنوی و فرهنگی، حواس پنج‌گانه، حافظه، و تصویرسازی، آنها را درک می‌کند. به این ترتیب، فرایندهای ذهنی در محیط رواق الله‌وردی خان، سبب افزایش تعاملات معنادار بین انسان و محیط می‌شوند که منجر به ادراک مفهوم محیط با توجه به حرکت بدن انسان در فضا می‌شود. ساختار تناسبات کالبدی در فضای داخلی رواق الله‌وردی خان محیطی انسانی و متواضع ایجاد نموده‌اند. در این فضاها انسان به واسطه حضور و قدم زدن در فضا به تجربه فضایی حول کالبد و عناصر مادی‌اش می‌پردازد، زیرا انسان جهان را با ساختمان و وجود کالبدی‌اش درک می‌کند و از این‌رو جهان تجربی حول کالبد سازماندهی و تعریف می‌شود و معنا پیدا می‌کند. در واقع جهان تجربی انسان‌ها، واجد دو کانون همزمان کالبد فضای اطراف و ذهنیات انسان است. درحالی‌که تناسبات کالبدی در محیط و فضاهای بیرونی رواق

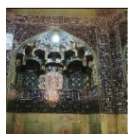

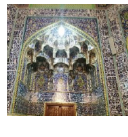
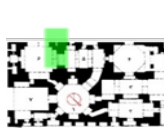
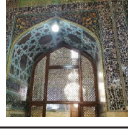
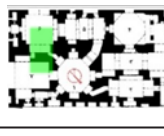
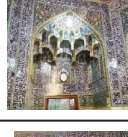
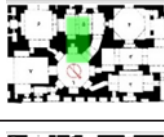
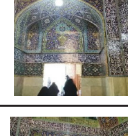
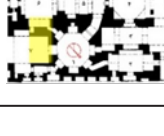
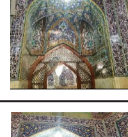
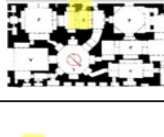
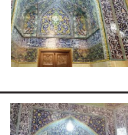



رواق الله‌وردی خان دارای هشت‌صفا می‌باشد که در چهار جهت اصلی جغرافیایی و چهار جهت فرعی آن استوار گشته است که هر یک از این صفاها در یک ضلع هشت‌ضلعی و در بالای ورودی‌های دیگر رواق‌ها واقع گشته است. صفا جنوب: این صفا در جهت قبله و در گذشته به وسیله راهرویی به رواق حاتم خانی مرتبط بوده است. در سمت راست این راهرو قبر بانوی رواق الله‌وردی خان قرار دارد. صفا جنوب‌غربی؛ این صفا با در مشبک فلزی به رواق حاتم خانی و سپس ضریح مطهر راه دارد. صفا غربی که به دارالفیض و با راهرویی به روضه منوره راه دارد و با مقرنس تزئین شده است. صفا شمالی که تنها صفا بسته است با مقرنس کاری و نقوش اسلیمی و ختایی تزئین شده است. اکنون با پوشش چوبی پاراوان بسته شده و محل انتظامات بانوان است. صفا شمال‌شرقی، با راهرویی باریکی به صحن انقلاب راه دارد و شیوه تزئین آن کاربردی است. صفا شرقی در واقع راهرویی است به دارالضیافه و قبل از ساخت آن ورودی اصلی رواق الله‌وردی خان بوده است. گرداگرد قوس اصلی، پنجره مشبکی است که راه ورود به رواق را نشان می‌دهد؛ و در نهایت صفا جنوب شرقی که این صفا به دارالسعاده راه دراد و شیوه تزئین، کاربردی است (جدول ۱). از آنجایی که رواق الله‌وردی خان همه عناصر مادی و غیرمادی را حول محور خود، یعنی قبله، سازماندهی می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که هندسه محیطی نسبت به جهت قبله در شکل‌گیری رواق الله‌وردی خان دارای اهمیت کمتری است. بنابراین قبله در این رواق نقش مهمی را دارا است. از این‌رو، با حضور در این رواق و قرارگیری در حول محور قبله، مفهوم

محورها واقع می‌گیرد، علاوه بر مرکزیت افقی، مرکزیتی درجهت قائم نیز قابل درک است. این مرکزیت قائم به دلیل وجود گنبد که به صورت کامل در مرکز رواق واقع گشته است نمایان می‌گردد. مرکزیت‌گرایی، نماد اصل وحدت وجود در حکمت متعالیه می‌باشد و این وحدت، در واقع نوعی وحدت وجود تشکیکی به تعبیر ملاصدر است. در ارتباط با حرکت جوهری به‌عنوان حرکت وجودی و سیلان وجودی، بیانگر مراحل ارتقای وجودی انسان در مراتب تشکیکی وجود در نیل به قرب الهی است. مرکزگرایی که بیانگر باطن‌گرایی و توجه به باطن و گذر از ظاهر به باطن است، مفهومی والا تر از کالبد صرف معماری در رواق الله‌وردی‌خان دارد که آن اشاره به یگانگی و اصل وحدت وجود در رواق می‌باشد. رواق الله‌وردی‌خان به‌عنوان یکی از ساختارهای فضایی مهم ایران، علاوه بر ساختار هندسی منحصر به فرد و نورپردازی‌های الهام‌بخش، از رنگ‌های قدرتمند و درعین حال ظریفی بهره گرفته است که باعث شده است حتی ساختار هندسی رواق تحت تأثیر خود درآید. با به کار بستن رنگ در هندسه رواق، هنرمند به نوعی معنویت را در فضای رواق به ارمغان آورده است. به عنوان مثال، در ترکیب خردمندان و هنرمندان کاشی‌کاری با رنگ آبی فیروزه‌ای و نقوش مختلف در فضای داخلی رواق، تمثیلی حکمی، جهان‌شناختی و بر اساس الگوی کیهانی است که از پیوند آسمان و زمین رقم خورده و بیانگر ارتباط نفس زائر با عوالم مجرد از جمله عالم مثال می‌باشد. همچنین، رنگ‌های این رواق، یعنی قرمز و زرد، سبز و آبی، به ترتیب با آتش، هوا، آب و زمین که چهار عنصر اصلی آفرینش را نمایندگی می‌کنند، با اصل آفرینش انطباق دارند و به خوبی توانسته‌اند با آمیزش و مجاورت کنار یکدیگر منجر به آفرینش معانی حکمی و جهان‌شناختی برای زائر شوند. این رنگ‌ها به‌واسطه حضور عناصر مادی در محیط رواق، توانسته‌اند عالمی آرامش‌بخش را برای زائر فراهم کنند و او را در نخستین گام حضور در فضا، آماده سفر معنوی به سوی عالم آسمانی کنند.

۴-۱. تحلیل تجربه ادراکی از منظر حرکت جوهری در رواق الله‌وردی‌خان

از نگاه ملاصدر، مسئله حرکت در تمام مراتب ادراک فضاهای معماری جاری است. از سویی ادراک را به نفس انسان منتسب کرده و قوای نفس را ابزاری برای این ادراکات در مراتب مختلف می‌داند. انسان همانند سایر موجودات به واسطه‌ی ماهیت مادیش، دچار ضعف وجودی است؛ اما به واسطه حرکت جوهری نفس است که شایسته رسیدن به کمالات ادراکی در فضای معماری از مراتب مادی به مراتب

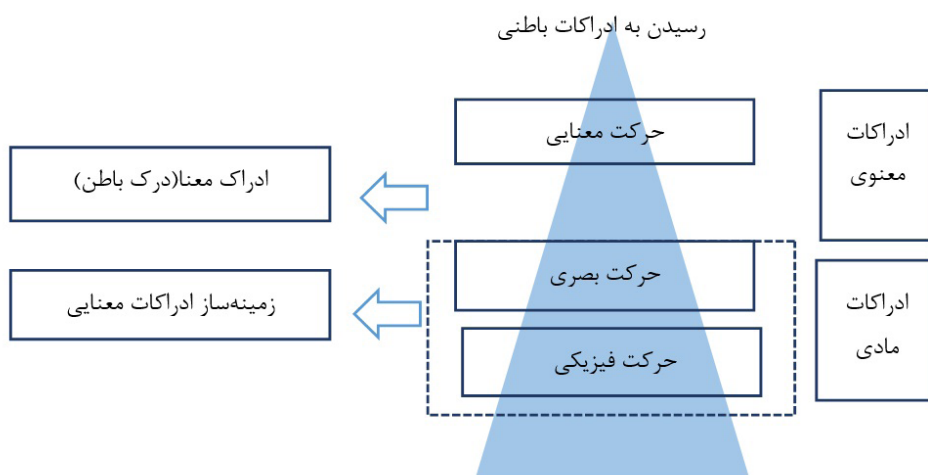
جدول ۱. موقعیت صفت‌های رواق الله وردی خان

رواق الله‌وردی	نوع تزئینات	تصاویر	موقعیت
صفه شمالی	مقرنس		
صفه جنوبی	مقرنس		
صفه شرقی	مقرنس		
صفه غربی	مقرنس		
صفه شمال شرقی	کاربندی		
صفه جنوب غربی	کاربندی		
صفه جنوب شرقی	کاربندی		
صفه شمال غربی	کاربندی		

الله‌وردی‌خان از جمله هشت‌صفت این رواق، محیطی غیرمادی و سلوکی را ایجاد نموده است تا زائر در بدو ورود و تجربه فضاهای بیرونی این رواق بتواند با رویدادهایی که توسط تناسبات کالبدی در جایجای محیط بیرونی رخ داده است، ارتباط برقرار سازد و به نوعی ادراکات حسی‌اش از طریق حضور در فضا و تجربه آن برانگیخته شود. طی مشاهدات نگارندگان، پس از عبور زائر از فضاهای همجوار یا ورود از سمت صحن انقلاب به داخل رواق، هنگامی که زائر وارد فضا می‌گردد در مرکز فضا قرار می‌گیرد و در تقاطع مرکزیت

غیرممکن است. در معماری ایرانی اسلامی ارتباط بین جهان مادی و عالم معنا از طریق عالم مثال و ادراک خیالی اتفاق می‌افتد. ملاصدرا با نظریه حرکت جوهری در صدد تبیین حرکت وجودی انسان در مراتب استکمالی و اشتدادی وجود در نیل به مقام تجرد است که هر لحظه بر شدت و کمالات وی در راه رسیدن به وجود روحانی افزوده می‌شود. ادراک حقیقی فضاها را معماری، مبتنی بر آرای ادراکی ملاصدرا، با حرکت در فضا و گذشت زمان رخ می‌دهد. این حرکت تنها مختص حواس ظاهری نبوده بلکه در مراتب عالی‌تر خود، یعنی ادراکات باطنی ناظر را تحت شعاع قرار می‌دهد (شجاری ۱۳۹۷، ۴۱). در این حال مخاطب با حرکت در فضای معماری و دید بصری، به ادراک حصولی و مادی دست خواهد یافت اما با گذشت زمان و بهره از قوه خیال، به واسطه حرکت در معانی موجود به ادراک حضوری و مجرد نائل خواهد شد. در بحث مراتب ادراک در یک اثر معماری، ناظر سه نوع حرکت را دست‌مایه تجربه‌ی ادراکی خود قرار می‌دهد؛ حرکت فیزیکی پایه، حرکت بصری دیدگان و حرکت ذهنی (معنایی). مرتبه‌ی حرکت فیزیکی و بصری هر دو مربوط به حس و ماده است و این دو مرتبه مربوط به ادراکات حسی می‌شود و مرتبه‌ی حرکت معنوی مربوط به ادراکات خیالی است که در همین مرتبه‌ی حرکتی با قوت گرفتن قوه‌ی عقل، ادراک به سطح معقول می‌رسد. از سویی ملاصدرا مراتب ادراکی را در تقارن با عوالم سه‌گانه (حواس، خیال، و عقل) به سه دسته‌ی کلی حسی، خیالی، و عقلی طبقه‌بندی کرده و به سیر تکاملی واقعیت مادی در گذر از این مراتب جهت رسیدن به ادراک حقیقی اشاره دارد (شکل ۴).

باطنی می‌شود (شجاری ۱۳۹۴، ۴۲). ملاصدرا اولین مرتبه را عالم عقل می‌داند که از سنخ ماده نبوده و به عالم مجردات تعلق دارد. مرتبه نازل‌تر عالم خیال است که متعلق به عالم مثال و در آن تصویری از معنا برای انسان حاصل می‌شود. نقش قوه خیال ایجاد ارتباط میان محسوسات و معقولات، همچنین درک حقایق مثالی است. قوه‌ی خیال، این کار را با دادن اوصاف جسمانی به حقایق مفارق (تجسیم ارواح) و اعطای اوصاف روحانی به اشیاء مادی (ترویج اجسام) انجام می‌دهد (کربن ۱۰ ۱۹۹۲)؛ و در نهایت قوه حس که تعلق به عالم محسوسات و شناخت کالبد مادی دارد. از سویی دیگر در معماری، ادراک وابسته به حرکت است و به طور خاص حرکت به معنای جابجایی در فضایی است که شامل عناصر بصری و خیالی است. این حرکت در سه نوع قابل شناسایی است: حرکت فیزیکی، که به معنای جابجایی جسم فرد در فضایی قابل درک است؛ حرکت بصری، که به معنای تغییر محل چشم‌ها از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر است؛ و حرکت خیالی، که عبارتست از ادراک معانی عقلی در قالب ادراک نقوش و صور بدون ماده که به مثابه حرکت خیالی است؛ یعنی حرکت در سیر صعودی از عالم ماده به عالم مثال (خیال منفصل) با قوه ادراکی خیال است. هر حرکت در فضای معماری سه خصوصیت فضایی دارد: پویایی، که به معنای فضایی است که حس حرکت فیزیکی را در فرد القا می‌کند؛ سیالیت، که به معنای فضایی است که حرکت بصری را ایجاد می‌کند؛ و مکث، که به معنای سکون حرکت می‌باشد و هر حرکتی در ذات خود دارای مکث است. در معماری، وصل، گذر و اوج با استفاده از همین سه خصوصیت شکل می‌گیرند. تجربه ادراکی یک اثر معماری بدون حرکت و قدم زدن در داخل آن



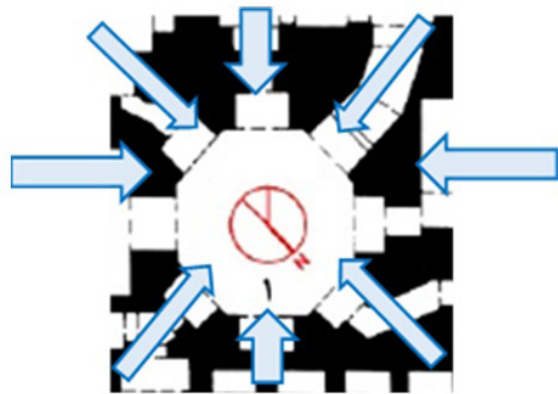
شکل ۴. سیر مراتب حرکت در ادراک فضا از ظاهر تا باطن

معنا که اگر مسیر دسترسی به صحن راحت باشد، اثر خاصی بر ذهن عابر نخواهد گذاشت. پس این شیوه بهترین روش برای تأمل و تمرکز ذهنی برای ورود به صحن یا رواق خواهد بود (منتظرالقائم و حافظ ۱۳۹۶). لذا در راستای تجلی مفهوم حرکت و ادراک فضا به واسطه هندسه ناظر را وادار به حرکت و قدم زدن در این راستا می‌نماید و در حین حرکت در فضای رواق مؤلفه‌های پویایی حرکت فیزیکی را تبدیل به حرکت بصری می‌کند. این حرکت بصری ابتدایی به ساکن از طریق تضاد شدید نور و سایه بین ورودی، صحن و فضای رواق باعث تحریک قوه باصره شده، کاربردی بالایی آن و درک سطوح ظریف برآمده و فرورفته، باعث می‌شود که چشم زائر دنباله نقش‌ها را از یک گوشه گرفته تا به درک از کلیات طرح برسد و لذت بصری را تجربه کند. زمانی که زیبایی کاشیکاری‌ها چشم زائر را به خود جذب می‌نماید نقطه اوج یک حرکت بصری خواهد بود. در حرکت بصری زائر لحظه‌ای شروع به شناسایی و دیدن نشانه‌هایی می‌کند که حرکت در عالم خیال را برای او میسر نماید. اولین دسته نشانه‌های ظاهری می‌باشند که کتیبه نوشته‌ها در جایجای این رواق از آن جمله هستند که سبب حرکت به سمت عرفان و حق باری تعالی می‌گردند. دسته دوم نشانه‌ها، نه تنها برای پوشاندن وظایف عملی استفاده می‌شوند، بلکه با تبدیل محل حرکت از زمین به آسمان و فضای بالا، عالم بالا را به یاد می‌آورند. اما دسته سوم نشانه‌ها، نشانه‌های معنایی هستند که با فاصله سطحی نسبت به صحن، به معانی عمیقی اشاره می‌کنند و اولین قدم در سفر به سمت عالم بالا و رهایی از جهان خاص و محدود، با تأیید و خضوع آغاز می‌شود. در شکل ۶ مراتب تجربه فضایی در رواق الله وردی خان مورد بررسی قرار گرفته است (شکل ۶).

۵. نتیجه‌گیری

هنر اسلامی غیر واقع‌گراست و توجه به مافوق ماده دارد که هدف آن بیان وحدت است. معماری سنتی ایران تجلی‌گاه نمادین جهانی ابدی و ازلی است، جهان را محلی گذرا و واسطه‌ای جهت رسیدن به مرتبه‌ای والا به‌منظور نیل به آرامشی درونی می‌داند. حرکت و ادراک هم در معماری و هم در فلسفه دو موضوع آمیخته با یکدیگرند که هستی یکی مستلزم موجودیت دیگری است؛ در معماری ادراک حقیقی فضا تنها با حرکت و قدم زدن در اثر معماری و تماشای گوشه‌به‌گوشه‌ی اثر ممکن است. با توجه به مطالعاتی که تاکنون در زمینه‌ی معماری صورت گرفته است، بیشتر توجهات این مطالعات معطوف به عناصر کالبدی بوده است و کمتر به معانی مستتر در فضاهای معماری توجه شده است. از آنجاکه یکی از مسائل حائز اهمیت در فلسفه‌ی صدرای رابطه‌ی

رواق الله وردی خان همانند دیگر اثرهای معماری ایرانی اسلامی، در تلاش برای ایجاد ارتباط با عالم معنا است. با استفاده از پویایی، سیالیت و مکت، در صدد ایجاد سلسله‌مراتب فضایی است که می‌تواند بصری و یا معنوی (ارزش نمادین یک عنصر) باشد. مفهوم سلسله‌مراتب و تداوم فضای معماری ایرانی به منظور ادراک فضا و سیر تعالی، بر اساس اصل حرکت جوهری شکل گرفته است. در معماری رواق الله وردی خان سیر حرکت فیزیکی برای رسیدن به فضای اصلی با جداسازی فضاها و ایجاد فضای واسط شکل می‌گیرد. پس از گذر از طاق‌ها و ورودی‌های تعریف شده در رواق الله وردی خان، به فضای اصلی که همان گنبدخانه با مرکزیتی تهی و نمادی از وحدت وجود خواهیم رسید. تغییر در ابعاد مسیر حرکتی و آرایش تزئینات دیواره‌ها خود باعث ایجاد مکت در فضا و حرکت بصری در مسیر خواهد شد (شکل ۵).



شکل ۵. رواق الله وردی خان، سیر حرکتی تا ورود به فضای مرکزی

با رسیدن به فضای مرکزی (گنبدخانه) که ورود به آن از چهار جهت اصلی و چهار جهت فرعی قابل دسترسی است و فضایی هشت‌ضلعی را به وجود آورده است که این فضای هشتی از بعد نمادین همواره قبل و یا بعد از یک فضای نیمه‌باز قرار می‌گیرد، با این مفهوم یعنی جدایی انسان از محیط بیرون و تمرکز وی در فضای درون بار دیگر معنای کثرت (فضای بیرون) در وحدت (فضای درون و یاد خدا) ظهور می‌یابد و برای آدمی فرصتی می‌شود تا با تمرکز حواس و از محیط بیرون فاصله بگیرد و تنها به یک نقطه که محیط در پی القای آن به وی است؛ یعنی خدا و ذکر او فکر کند. نکته قابل توجه این است که از داخل هشتی و به طور مستقیم نمی‌توان وارد صحن شد؛ بلکه روزنه‌ای در جهت شمالی و شرقی به سمت حیاط تعبیه شده است با این علت که علاوه بر اصل سلسله‌مراتب، عدم دسترسی آسان به صحن نوعی تفکر و اشتیاق برای دیدن حیاط را برای ناظر فراهم آورده؛ بدین



شکل ۶. بررسی مراتب تجربه فضایی رواق الله وردی‌خان به واسطه حرکت فیزیکی، بصری و پویای

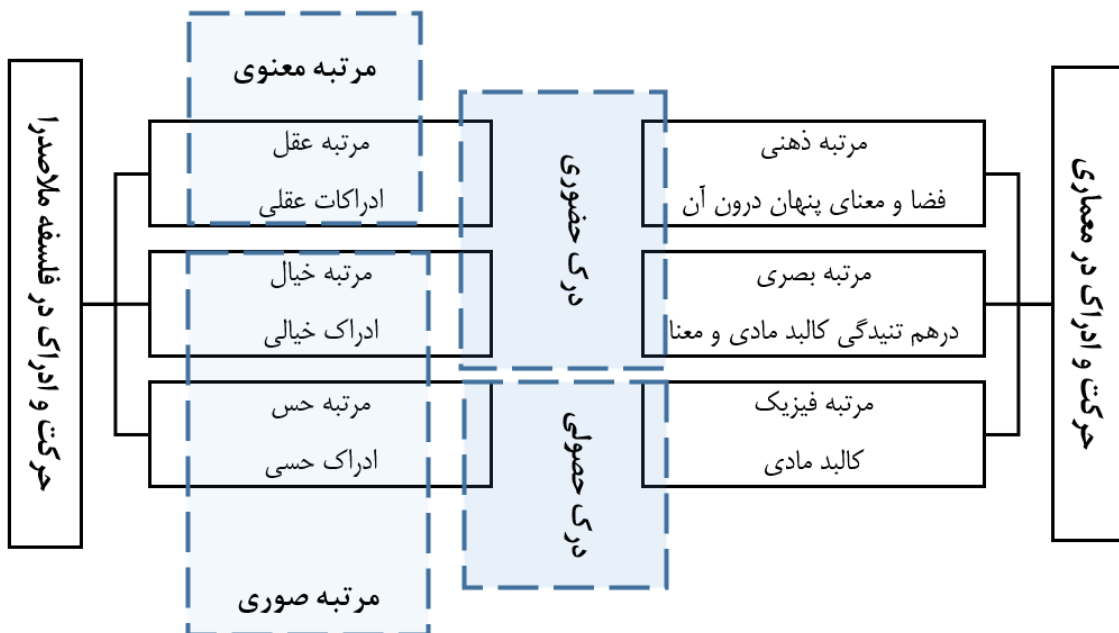
حرکتی یعنی حرکت فیزیکی و چشمی رخ می‌دهد که ظرفیت شناخت عینی و مادی را در ناظر فراهم می‌کند که در نتیجه در مراتب حسی ادراک قرار می‌گیرد. اما با حضور فعال ناظر در فضا، مرتبه‌ی حرکتی به مرتبه‌ی معنوی ارتقا پیدا می‌کند، و با به‌کارگیری قوای خیال و عقل، ناظر در ادامه شامل ادراک خیالی، و در نهایت با درک حقیقت معنایی فضا، نائل به ادراک عقلی می‌شود. در فضاهای معماری، مطابق مشرب ملاصدرا، حرکت باعث اتحاد ناظر با حقیقت فضا می‌شود، ناظر با تجربه کردن مراتب حرکتی در فضا، و در نتیجه‌ی آن حاصل شدن مراتب ادراکی، زمینه اتحاد عاقل و معقول را فراهم می‌آورد. بنابراین ناظر با صرف بیشتر زمان و حضور فعالش به واسطه‌ی حرکت، ابعاد وجودی خود را برای ایجاد این اتحاد وسعت می‌دهند. ویژگی‌های فضایی سه‌گانه، یعنی پویایی، سیالیت، و مکت، باعث می‌شوند که تجربه‌ی ما از دنیا، از ساده‌ترین تجربه‌ها به پیچیده‌ترین‌ها هدایت شود. در فلسفه هم، فیلسوفانی که به دنبال معرفت حقیقت هستند، مانند ملاصدرا، معتقدند که حرکت، مبنای ادراک حقیقت است و دنیا همیشه در حال تغییر و جریان

مراتب ادراکی و حرکت است، و از طرف دیگر، سیر در مراتب ادراکی در فضاهای معماری نیز مشمول حرکت است، ضرورت تقابل آرای ادراکی و معرفتی ملاصدرا، با مراتب ادراکی در فضاهای معماری احساس می‌شود. فضا در معماری اسلامی شرح رمزگونه‌ای از حقیقت باطنی از معناست که به مرتبه‌ای نازل‌تر از معنای تجربیدی خود تنزل کرده است، تا که بازنمایی از حقایق رمزگونه‌ای در ذهن ناظر باشد. درک این معنایی رمزگونه هم در فلسفه و هم در معماری، وامدار مفهوم حرکت است. در فضاهای معماری با توجه به نظریه‌ی حرکت جوهری ملاصدرا، با گذر زمان سه مرتبه حرکتی (فیزیکی، چشمی، و معنوی) در ناظر رخ می‌دهد. با بازخوانش آرای ادراکی ملاصدرا، این مراتب حرکتی در فضاهای معماری زمینه سیر ادراک از حصولی به حضوری را در ناظر فراهم می‌کند. مراتب ادراکی در نظر ملاصدرا به دو مرتبه‌ی معنوی و صوری، و در تقسیم بندی دیگر، به مدد قوای نفس (حس، خیال و عقل) به سه مرتبه حسی، خیالی، و عقلی تقسیم می‌شود. ادراک در فضاهای معماری، مطابق آرای ادراکی ملاصدرا، با حرکت و قدم زدن ناظر در فضا شروع می‌شود. در بدو امر، دو مرتبه‌ی



زائران از مسجد و فضا‌مندی آن شده است. ضمن آنکه با توجه به نوع فضاها و حرکت زائر در فضای رواق می‌بایست بیان نمود که تجربه فضایی در این رواق ضرورتاً چندحسی است و کالبد این رواق به نحوی ساخته و پرداخته شده که حواس پنج‌گانه زائران را درگیر خودش می‌نماید. حس بصری در رواق با توجه به عناصر مادی موجود در فضا پویا است و همواره در ذات پویای خود به دنبال اکتشاف است و هر عنصر و جزئی از این رواق و حتی هر یک از فضاها، چشمان زائران را جهت درک مفهوم نهفته در خود، به خود جذب می‌نمایند. انبوه دریافت‌های همزمان با حضور و قدم زدن در فضای این رواق تجربه می‌گردد (شکل ۷).

است. همچنین، این فیلسوفان به مراتبی سه‌گانه برای ادراک پیچیده‌تر دنیا پایبندند که با مفاهیم فضایی هم‌خوانی دارد. اگر مفاهیم ادراک فضایی، مثل گذر، اوج و وصل، را با مفاهیم ادراک فلسفی، مثل حس، خیال و عقل، مقایسه کنیم، به نظر می‌رسد که هدف معماران اسلامی و ایران همیشه جداسازی انسان از دنیای مادی و اتصالش به دنیای معنوی بوده است. به کمک آموزه‌های دینی، هنر معماری ایران شکل گرفت و با سایر کشورها تمایز پیدا کرد. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اذعان نمود که سلسله‌مراتب فضایی در رواق الله‌وردی‌خان، عدم تنوع مصالح در فضای داخلی این رواق و مواجهه انسان از ورودی تا مرکز آن مبتنی بر دیدگاه تجربه فضایی است که منجر به بهبود ادراکات حسی-محیطی



شکل ۷. تعامل حرکت و ادراک در معماری و حکمت متعالیه

همچون پوست است. تقشیر مصدر باب تفعیل و به معنای کندن پوست و قشر از چیزی است (سجادی ۱۳۷۳، ۱۳۸۱). در فلسفه هرچا که قصد بیان تجرد وجودی از زواید و امور غیر از ذات و ذاتیات شیء باشد، این واژه استعمال می‌شود. این عمل که توسط عقل و قوه ناطقه انسان صورت می‌پذیرد به این علت است که این امور دارای زوائد مادی و جسمانی و یا نیمه جسمانی هستند و چون عقل و قوه تفکر انسان از امور مجرد است توان درک این امور با همه مشخصات و عوارض آنها را ندارد. به همین جهت عقل ابتدا آنها را از زوائد و عوارضی که بر اصل ماهیت و حقیقت آنها بار شده‌اند جدا کرده و به اصطلاح تقشیر می‌نماید و بدین صورت می‌تواند آنها را درک کند.

Corbin .۱۰

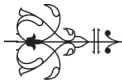
پی‌نوشت

۱. Casey
۲. Gallagher
۳. Dursun
۴. Collins
۵. Gibson
۶. Exner
۷. Porter
۸. Chan

۹. در اصطلاح علمی، ظاهر است که باطن را نگاه دارد یا به بیانی شریعت که حافظ طریقت است و علم باطن مانند مغز و علم ظاهر

منابع

۱. احمدی، مهدیه، هیرو فرکیش، وحید احمدی، و احمد میرزا کوچک خوشنویس. ۱۳۹۹. بازشناسی رابطه رمزگان معماری مساجد و کیفیت حضور قلب نمازگزاران (مورد پژوهش: مساجد عصر صفوی اصفهان). فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی ۵ (۲): ۷۴-۵۱.
۲. آصفی، مازیار، مرتضی شجاری، و صفا سلخی خسرقی. ۱۳۹۶. حرکت تکاملی نفس آدمی در فضای مسجد برمبنای آرای ملامصدرا (نمونه موردی مسجد کبود تبریز). فصلنامه کیمیای هنر ۶ (۲۲): ۷۵-۸۸.
۳. بروجردی، اشرف. ۱۳۷۶. بررسی تطبیقی روش‌های تربیتی در مکتب رفتارگرایی و مکتب اسلام. فصلنامه‌ی فرهنگ (۲۳-۲۲): ۳۵۰-۳۳۷.
۴. بنی‌اسدی باغمیرانی، مهدی، بهشید حسینی، و آزاده شاهچراغی. ۱۴۰۱. تبیین سیر ادراکی در مساجد عصر صفوی، از ماده تا معنا مبتنی بر آرای ملامصدرا (مورد پژوهی: مسجد امام و مسجد شیخ لطف‌الله)، دوفصلنامه علمی حکمت صدرایی (۱)۱۱: ۱۶۳-۱۷۸.
۵. تمیمی، مجید، و احد فرامرز فراملکی. ۱۴۰۰. چپستی معرفت نفس در فلسفه صدرالمتهالین. دو فصلنامه علمی حکمت صدرایی (۲)۹: ۵۳-۶۵.
۶. حسینی شاهرودی، سیدمرتضی، و زهرا اسکندری. ۱۳۹۶. بررسی تطبیقی فاعلیت ذهن در فرایند ادراک از دیدگاه ملامصدرا و هوسرل. دو فصلنامه حکمت صدرایی دانشگاه پیام نور ۱ (۲): ۷۵-۸۶.
۷. خاتمی، محمود. ۱۳۹۰. پیش‌درآمد فلسفه‌ای برای هنر ایرانی. تهران: نشر آثار هنری متین.
۸. خانی، ابراهیم، و محمد کاظم فرقانی. ۱۳۹۲. تبیینی جدید از حرکت جوهری بر اساس علم ذاتی طبایع. فصلنامه حکمت معاصر (۱)۴: ۵۱-۶۴.
۹. دادفر، پیام، لیلی کریمی‌فرد، و فریبرز دولت‌آبادی. ۱۴۰۰. تجربه فضایی و ادراک حسی: بازخوانش فضا در معماری (نمونه موردی: مسجد گوهرشاد). پژوهشنامه خراسان بزرگ (۴۵): ۱۷-۳۰.
۱۰. رئیس‌زاده، مهناز. ۱۳۸۳. بیهوده سخن: ده مقاله در زیباشناسی و هنر معماری. تهران: مولی.
۱۱. زمانی، محبوبه، امیر اکبری، و منا متولی حقیقی. ۱۴۰۱. بررسی تطبیقی شکل‌گیری رواق‌الله‌وردی‌خان حرم مطهر رضوی بر مبنای وجودشناسی حکمت متعالیه ملامصدرا. پژوهشنامه خراسان بزرگ (۴۸): ۸۹-۱۱۲.
۱۲. زوی، برونو. ۱۳۹۱. چگونه به معماری بنگریم. تهران: شهیدی.
۱۳. ساجدی، علی‌محمد. ۱۳۸۹. معرفت‌النفس از رهگذر پیوند میان عقل و فطرت و دین از دیدگاه صدرالمتهالین. فصلنامه جاویدان خرد (۱۴): ۲۸-۵.
۱۴. سجادی، سید جعفر. ۱۳۷۳. فرهنگ معارف اسلامی، جلد سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. سوهانگیر، سارا، و محمدرضا نصیرسلامی. ۱۳۹۳. الگوهای خلق فضا در معماری با تکیه بر پارادایم‌های نظری. باغ نظر (۲۸): ۶۵-۷۸.
۱۶. شجاری، مرتضی. ۱۳۹۴. انسان در حکمت صدرایی. قم: معارف.
۱۷. _____، صفا سلخی خسرقی، و مازیار آصفی. ۱۳۹۷. مراتب ادراک فضایی سیال در مسجدمجمع تبریز، با نگاهی به مفهوم حرکت در آرای ملامصدرا. حکمت معاصر ۹ (۲): ۱۹-۳۸.
۱۸. عالمزاده، بزرگ. ۱۳۹۰. دانشنامه رضوی. تهران: شاهد.
۱۹. عرفانیان، جواد، و پرپسا رسا. ۱۳۷۶. رابطه بین صورت و معنا در فرآیند شکل‌گیری مسجد. در همایش معماری مسجد؛ گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر، دانشکده پردیس اصفهان.
۲۰. عزیزعلوی، مصطفی، و سیداحسان رفیعی علوی. ۱۳۹۷. ترسیم الگوی مدیریت سازمانی براساس تعامل نفس. فصلنامه خردنامه صدرا (۹۱): ۷۵-۹۲.
۲۱. فکوهی، ناصر. ۱۳۸۳. انسان‌شناسی شهری. تهران: نی.
۲۲. کاوندی، سحر. ۱۳۸۷. خیال و صور خیالی در دو مکتب سینوی و اشراقی. حکمت سینوی (مشکوه‌النور) (۳۹): ۶۳-۸۰.
۲۳. گلستانی، سعید، عیسی حجت، و مهدی سعدوندی. ۱۳۹۶. جستاری در مفهوم پیوستگی فضا و روند تحولات آن در مساجد ایران. هنرهای زیبا (۴): ۲۹-۴۴.
۲۴. گنجور، مهدی، مجید صادقی حسن آبادی، محمد بیدهندي، و فروغ‌السادات رحیم‌پور. ۱۳۹۴. تأثیر نظریه حرکت جوهری براندیشه کلامی ملامصدرا. خردنامه صدرا ۲۰ (۸۰): ۷۶-۵۷.
۲۵. مختاری، محمدحسین. ۱۳۹۹. بررسی ادراک حسی از دیدگاه ارسطو و ملامصدرا. فصلنامه خردنامه صدرا، بنیاد حکمت

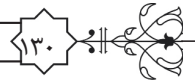


- اسلامی صدرا ۳ (۲۵): ۳۱-۴۰.
۲۶. ملاصدرا. ۱۹۸۱. *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، ج ۱ و ۳ و ۴ و ۶ و ۸، چاپ چهارم. قم: طلیعه نور.
۲۷. منتظرالقائم، اصغر، و زهرا حافظ فرقان. ۱۳۹۶. تبیین مبادی نمادین عناصر معماری اسلامی عصر صفوی. تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۲۸. مهدوی نژاد، محمدجواد، محمدحسین قاسمپورآبادی، و آیسا محمدلوی شبستری. ۱۳۹۲. C. مطالعات شهر ایرانی-اسلامی (۱۱): ۵-۱۵.
۲۹. نتاج، محمدابراهیم. ۱۳۹۳. نقش خیال در مکاشفات صوری از دیدگاه سهروردی و صدرا. فصلنامه جاویدان خرد ۱۱ (۲۱): ۱۸۳-۲۰۴.
۳۰. نجفی افرا، مهدی. ۱۳۸۸. معنی و وجود حرکت در فلسفه ابن سینا. فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت ۷ (۲۰): ۱-۲۵.
۳۱. نصر، سید حسین. ۱۳۸۰. معرفت و امر قدسی. ترجمه‌ی فرزاد حاجی میرزایی. تهران: نشر پژوهش فرزاد روز.
۳۲. نورمحمدی، سوسن. ۱۳۹۰. جایگاه انسان در تحول معنای فضایی معماری در قرن نوزدهم و بیستم. صفه ۲۱ (۲): ۱۹۷-۲۱۰.

References

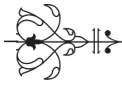
- Ahmadi, Mahdich, Hero Farkisch, Vahid Ahmadi, and Ahmad Mirza Kouchak Khoshnevis. 2020. An Insight into the Interrelation between the Mosques' Architectural Codes and the Quality of Worshipers' Presence of the Heart: A Case Study of the Safavid Mosques in Isfahan. *Culture of Islamic Architecture and Urbanism* 5 (2): 51-74.
- Alamzade, Bozorg. 2011. *Razavi Encyclopedia*. Tehran: Shahed.
- Alexandere, Ch. 1979. *The Timeless Way of Buliding*, NewYork: Oxford University Press.
- Asefi, Maziar, Morteza Shajari, and Safa Selkhi Khosraqi. 2017. The Evolutionary Movement of the Human Soul in the Space of the Mosque Based on the Opinions of Mulla Sadra (Case Example of Tabriz's Kaboud Mosque (Blue Mosque). *Kimiya-ye Honar* 6(22): 75-88.
- Azizi Alavijeh, Mustafa, Seyed Ehsan Rafiei Alavi. 2018. Delineation of Organizational Management Model Based on Ego Interaction. *Sadrai Wisdom Quarterly* (91): 75-92.
- Baden-Baden. Germany: Proceedings of 2nd international Symposium on Systems Research in the Arts.
- Bani Asadi Baghmirani, Mehdi, Behshid Hosseini, and Azadeh Shahcheraghi. 2022. Explanation of the Perceptual Process in Safavid era Mosques, From Matter to Meaning Based on Mulla Sadra's Opinions (Case Study: Imam Mosque and Sheikh Lotfollah Mosque). *Biannual Scientific Journal Sadrai Wisdom* 11(1): 163-178.
- Boroujerdi, Ashraf. 1997. A Comparative Study of Educational Methods in the Behaviorist School and the Islamic School. *Farhang Quarterly* (22-23): 337-350.
- Casey, E. S. 2012. *Remembering: A Phenomenological Study*, Bloomington. Indiana: University Press.
- Chan, C. 2012. Motion in design. Retrieved from <http://www.public.iaestate.edu>. (2018.3.12.)
- Collins, P. 2014. *Encyclopaedia Britannica*. <http://www.britannica.com>. (2015.5.6.)
- Corbin, H. 1992. *Horizons of Spiritual Meditation in Islamic-Iranian*. Translated by Bagher Parham. Tehran: Agah.
- Dadfar, Payam, Lily Karimi Fard, and Fariborz Dolatabadi. 2021. Spatial Experience and Sensory Perception: Re-Reading Space in Architecture (Case Example: Goharshad Mosque). *Great Khorasan Research Journal* (45): 17-30.
- Dursun, P. 2009. Architects are Talking about Space. In 7th International Space Syntax Symposium. School of Architecture and the Built Environment, Stockholm.
- Erfanian, Javad, and Parisa Resa. 1997. The Relationship Between Form and Meaning. In the Proceeding of Mosque Formation, Mosque Architecture Conference: Past, Present, Future, Art University, Pardis University of Isfahan.
- Exner, U., and D. Pressel. 2009. *Basics Spatial Design*. Berlin: Birkhäuser Press.
- Fakuhi, Nasser. 2004. *Urban Anthropology*. Tehran: Ney.
- Gallagher, S. *How the Body Shapes the Mind?* Oxford: Clarendon Press.





19. Ganjur, Mehdi, Sadeghi Hassanabadi, Majid, Bidhandi, Mohammad and Rahimpour, and Forough Al-Sadat. 2015. The Effect of the Theory of Substantial Motion on the Theological Thought of Mulla Sadra. *Sadra Wisdom* 20 (80): 57-76.
20. Gibson, James J. 2014. *The Ecological Approach to Visual Perception: Classic Edition* (Psychology Press and Routledge Classic Editions). New York: Psychology Press.
21. Goleštani, Saeid, Isa Hojjat, and Mahdi Saadoundi. 2017. An Inquiry on the Concept of Continuity of Space and the Process of Its Evolution in Mosques of Iran. *Honar-ha-ye-Ziba* 20 (80): 57-76.
22. Harris, y. 2002. *Architecture and Motion: Ideas on Fluidity in Sound, Image and Space*.
23. Hosseini Shahroudi, Syed Morteza, and Zahra Eskandari. 2017. Comparative Investigation of the Mind's Impressive in the Process of Perception from the Perspective of Mulla Sadra and Husserl. *Biannual Scientific Journal Sadrai wisdom*, Payam Noor University 1(2): 75-86.
24. Kavandi, Sahar. 2008. Imagination and Imaginary Forms in the Two Schools of Sinavi and Ishraqi, (Mishkwah Al-Noor). *Hekmat Sinavi* (39): 63-80.
25. Khani, Ebrahim, and Mohammad Kazem Furqani. 2013. A New Explanation of Substantial Motion Based on the Inherent Science of Nature. *Contemporary Wisdom Quarterly* 4(1): 51-64.
26. Khatami, Mahmoud. 2011. *A Philosophical Prelude to Iranian Art*. Tehran: Matin Art Publishing.
27. Mahdavejad, Mohammad Javad, Mohammad Hossein Qasem Pourabadi, and Aisa Mohammadlovi Shabestari. 2013. Typology of Mosque-Schools of the Qajar Period. *Iranian-Islamic City Studies* (11): 5-15.
28. Mokhtari, Mohammad Hossein. 2020. Study of Sensory Perception from the Perspective of Aristotle and Mulla Sadra. *Sadra Wisdom Quarterly*, Sadra Islamic Wisdom Foundation 25(3): 31-40.
29. Montazeolghaem, Asghar, and Zahra Hafez Quran. 2015. Explaining the Symbolic Principles of Islamic Architectural Elements of the Safavid Era. Tehran: Iranian Research Institute of Philosophy.
30. Mulla Sadra. 1981. *Al-Hakam Hay al-Mu'taaliyyah fi al-Asfar al-Arabah*, Vol. 1, 3, 4, 6, 8, 4th Edition. Qom: Talie-ye Noor.
31. Najafi Afra, Mehdi. 2009. Meaning and Existence of Movement in Ibn Sina's Philosophy. *Quarterly Journal of Islamic Philosophy and Kalam*, Mirror of Knowledge 20 (7): 1-25.
32. Nasr, Seyed Hossein. 2001. *Knowledge and the Sacred*. Translated by Farzad Haji Mirzaei. Tehran: Farzan-e Rooz Research Publishing.
33. Nataj, Mohammad Ibrahim. 2014. The Role of Imagination in Formal Unveilings from Suhrawardī's and Mulla Ṣadrā's Point of View. *Javidan Khirad* 11 (21): 183-204.
34. Noormohammadi, Susan. 2011. The Human Being in the Evolution of Spatial Meaning in the 19th and 20th Century Architecture. *Soffeh* 21(2): 197-210.
35. Porter, T. 1997. *The Architect's Eye: Visualisation and Depiction of Space in Architecture*. London: E & FN Spon.
36. Raeeszadeh, Mahnaz. 2004. *Vain Words: Ten Essays on Aesthetics and Architectural Art*. Tehran: Mola.
37. Rezazadeh, Razieh. 2001. The Influence of the Architectural Form of the Mosque on Perception and the Transmission of the Meanings and Concepts of the Mosque Architecture. *Ofogh Ayandeh*, Volume 1, University of Arts.
38. Sajedi, Ali Mohammad. 2010. Knowledge of Self Through the Link Between Wisdom, Nature and Religion from the Perspective of Mulla Sadra. *Javidan Kherad* (14): 5-28.
39. Sajjadi, Seyed Jafar. 1994. *The Culture of Islamic Education*, 3rd Volume. Tehran: University of Tehran Press.
40. Shajari, Morteza. 2015. *Man in Sadra's Wisdom*. Qom: Ma'arif.
41. _____, Safa Selkhi Khosraqi, and Maziar Asefi. 2018. Perception Steps of Fluid Space in Jameh Mosque of Tabriz; An Essay on the Concept of Movement in the Opinions of Mulla Sadra. *Hekmat Moaser* 9 (2): 19-38.
42. Sohangir, Sara, and Mohammadreza Nasirsalami. 2014. Patterns of Space Creation in Architecture Based on Theoretical Paradigms. *Bagh-e-Nazar* (28): 65-78.
43. Tamimi, Majid, and Ahad Farmaraz Faramalki. 2021. What is Self-Knowledge in the Philosophy of Mulla Sadra. *Biannual Scientific journal Sadrai Wisdom* 9(2): 53-65.
44. Zamani, Mahbobeh, Amir Akbari, and Mona Motevali Haghighi. 2022. A Comparative Study of the Formation of the Allahverdi Khan Portico of the Holy Shrine Based on the Ontology of the Transcendent





Theosophy of Mulla Sadra. Research Journal of Great Khorasan (48): 112-89.

45. Zanganeh, Pari. 2012. Tawooskhaneh, A Look at the Role of the Peacock in the History of Iranian Art. Sarzamin-e Man (39): 62-67.

46. Zoi, Barno. 2008. How to Look at Architecture. Translated by Farideh Garman, Tehran: Shahidi.

47. Zumthor, P. 1998. Peter Zumthor Works: Buildings and Projects, 1979-1997. Basel: Birkhauser.

48. Zumthor, P. 2010. Thinking Architecture. Basel: Birkhauser.

